

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ جنوری ۲۰۲۰

بازی های مغلق و پیچیده امپریالیستی در افغانستان!

سه شنبه- ۰۸ دلو ۱۳۹۸- کابل: در یادداشت امروز خواهم کوشید تا بسیار فشرده، یکی از اختلافات درونی حکومت خیانت ملی بین باند "غنی احمدزی" و باند "عبدالله عبدالمود" به ارتباط چگونگی برخورد با طالب را مورد بررسی قرار دهم:

۱- این را همه می دانیم که عامل زمان در عین حالی که زخم قابل علاج را التیام می بخشد و از همین رو در دنیای سیاست به استفاده از "فکتور زمان" ارزش داده می شود، زخمی را که قابل علاج نباشد با گذشت هر روز و هر لحظه، به طرف بدتر شدن برده سرانجام به نابودی فرد زخمی خاتمه می یابد.

در این جا یعنی در کشور ما افغانستان نیز عامل زمان اگر در برخی از موارد شفاءبخش بوده، درکل بر مبنای تسلط مناسبات و روابط استعماری-ارتجاعی، سیر زمان پدیده ها را در جهت منفی رشد داده، مریضی را که تنها با غده سرطانی در مبارزه بود به وبا و ایدز نیز مصاب گردانید.

۲- بر همین مبنای، درز ها و فاصله هائی که بین حکومت خیانت ملی وجود داشت، با گذشت هر روز و هر لحظه عمق و پهنای بیشتر یافته به چنان جر و گودال عمیقی مبدل گردیده که حتا اراده استعمار نیز نخواهد توانست آن را پر و یا به هم نزدیک نماید. یکی از این موارد چگونگی برخورد با طالب است. چه در حالی که "غنی احمدزی" و باندش با استفاده از تمام امکانات دولتی، ظاهراً علیه مذاکره با طالب سنگ اندازی نموده، هر روز پیش شرط تازه ای را مطرح می سازند، "عبدالمود" و باندش رخ تسلیم و سازش حکومت خیانت ملی را به نمایش گذاشته، نه یکبار بلکه باربار اعلام داشته است که حاضر است با طالب جهت رسیدن به صلح بدون قید و شرط مذاکره نماید.

آخرین باری که این موضعگیری را اعلام داشت به دوام موضعگیری روز گذشته اش بعد از لشکر کشی عمومی اسلام سیاسی علیه جواسیس تکنوکرات، امروز حین یاددهانی از قربانیان تجاوز سوسیال امپریالیسم روس ۳۰ سال قبل در همچو یک روزی در ولسوالی سالنگها بود.

۳- در این موضعگیری های صریح "عبدالمود" در مخالفت با "غنی احمدزی" و باندش آنچه مهم است، فهمیدن انگیزه "عبدالمود" است. به نظر من این چرائی می تواند سه جواب داشته باشد:

الف- "عبدالمود" بدین وسیله می خواهد خود را به امریکا اعلان نموده به آنها تذکر می دهد، که وی حاضر است مطابق برنامه ای که "خلیلزاد" با طالب به توافق رسیده و بدان وسیله می خواهد پای امریکا را از باتلاق و قبرستان

بیگانگان افغانستان بیرون کشد، کاملاً و صد درصد موافق می باشد و هرگاه دولت امریکا باز قدرت را بر سر وی از طریق به اصطلاح انتخابات بگذارد، وی حاضر است مطابق برنامه های خلیز، تمام امور را انجام دهد.

ب-جهت دیگر با پذیرش پیش فرض نچندان محتمل اختلاف بین امپریالیسم امریکا و "غنی احمدزی"، می تواند این باشد که امپریالیسم امریکا در عین حالی که خواستار ادامه کار "غنی احمدزی" است، می خواهد وی را کاملاً رام ساخته و بر سرکشی هایش نقطه پایان بگذارد، از همین رو به "عبدالمود" چراغ سبز نشان داده تا به میدان بیاید. در چنین صورتی هدف امریکائی ها این نیست که حتماً "عبدالمود" را مورد حمایت قرار دهند، بلکه می خواهند در صورت امکان "غنی احمدزی" را در یک رقابت تنگاتنگ با "عبدالمود" وادار به تسلیم نمایند. هرگاه پلان شان نتیجه نداد باز راجع به "عبدالمود" تصمیم بگیرند.

پ - احتمال سوم که می تواند در مقایسه با دو احتمال قبلی، پیچیده و مغلق باشد این است که:

*- امریکا و "غنی احمدزی" هر دو در یک سمت و با تفاهم عمل می نمایند؛

*- هر دو یعنی "امریکا و "غنی احمدزی" می خواهند هرچه زود تر طالب را بر سریر قدرت بنشانند تا وظایف محوله اش را در منطقه به دوش بگیرند؛

*- اما قبل از آن تلاش می ورزند تا تمام مخالفان گذشته طالب را، در فضای نفرت از "غنی احمدزی"، در کنار طالب بنشانند، تا از یک جانب روابط این رقباء را با کشور های پشتیبان شان به هم رنند و از جانب دیگر مقاومتی در قبال آمدن طالب صورت نگیرد.

هموطنان گرامی!

با شناختی که از آحاد بازیکنان روی صحنه سیاست فعلی دولت دست نشانده وجود دارد، با آن که هر سه احتمال مطرح اند مگر احتمال سوم جایگاه برتری دارد. یعنی امپریالیسم امریکا می خواهد بعد از ۲۰ سال کشتار خلق ما، مجدداً نوکرانش را عوض نموده، طالب را بر سر کار بیاورد. لذا:

سرکها ما را می طلبند!